تازه‌های نمایشگاه

تازه‌های نشر سرایی

شرق: انتشارات سرایی با چهار کتاب تازه و چندین کتابی که در طول یکی- دو سال گذشته منتشر شده‌اند در نمایشگاه امسال حضور دارد. از چهار کتاب سرایی دو کتاب را محمد قوچانی نوشته است. این دو کتاب در واقع دربرگیرنده مقالاتی است که قوچانی در دوران سردبیری روزنامه شرق در این روزنامه و برخی مجلات دیگر نوشته است و هنگام تدوین آنها به صورت کتاب بنا به تقسیم‌بندی موضوعی مقالات دینی و اندیشه‌ای را در یک جلد (با نام «سه اسلام: مکتب نجف، مکتب قم، مکتب تهران») آورده و مقالات سیاسی را در جلدی دیگر (با نام «پدرخوانده و راست‌های جوان»).

«سه اسلام» پنج فصل دارد: مفاهیم پایه سنت شیعه، نهاد مرجعیت، نهاد روحانیت و روشنفکران دینی. قوچانی در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «به موازات افول اصلاح‌طلبی سیاسی، اصلاح‌طلبی دینی هم افول کرد و روشنفکری دینی از سوی روشنفکری عرفی مورد نقد قرار گرفت. روشنفکری عرفی مدعی بود که پروژه اصلاح‌طلبی دینی به پایان رسیده و سرمشق جهانی مبتنی بر سکولاریسم و لیبرالیسم می‌تواند راه را ادامه دهد. در این میان تغییر گرایش برخی روشنفکران دینی سابق یا سکوت برخی دیگر در برابر موج سکولاریسم، روشنفکران عرفی را بدین سو هدایت کرد که خواهان توبه روشنفکران دینی شوند. اما درست در همین زمان اتفاق دیگری در همسایگی ایران رخ داد. صورت‌بندی تازه‌ای از ترکیب دین و دولت در افغانستان تحت سلطه آمریکا و تشیع و تجدد در عراق تحت فرمان آمریکا شکل گرفت که از یک سو در مرزهای شرقی ایران یک «جمهوری اسلامی» دیگر ایجاد کرد و از دیگر سو در مرزهای غربی ما یک «دولت شیعه» به وجود آمد. نقش ویژه آیت‌الله سیستانی در تحولات عراق نیز نوعی دیگر از رابطه دین و دولت و مرجعیت و حکومت را در اوج تمایل به سکولاریسم در ایران نشان داد که در عین حال واجد استقرار نظام دموکراسی در خاورمیانه جدید بود. مقالات این کتاب در چنین فضایی نوشته شده است و بازبینی پاره‌ای مفاهیم تاریخی و نظری درباره نسبت دین و دولت و به طور خاص تشیع و تجدد است.» «سه اسلام» ۲۰۳ صفحه دارد و قیمت آن ۲۲۰۰ تومان است.

دومین کتاب نشر سرایی از قوچانی با نام «پدرخوانده و راست‌های جوان» به افول اصلاح‌طلبان و ظهور اصولگرایان می‌پردازد. این مقالات به تعبیر نویسنده آنها «محصول دو سال سرمقاله‌نویسی من در روزنامه شرق است. روزنامه‌ای که به سختی توانسته است در پوست‌اندازی جناح‌های سیاسی ایران راوی این تحولات باشد. در بخشی از این تحولات ما خود بازیگر بودیم؛ اما در عمده ایام از سطح ناظر فراتر نرفتیم.» قوچانی مقالات این دوران از فعالیت‌اش را هنگام تدوین به صورت کتاب در سه فصل تنظیم کرده است: افول اصلاح‌طلبان، ظهور اصولگرایان و پدرخوانده و راست‌های جوان. در این میان یک بخش «بررسی موردی» هم هست که به بحران هسته‌ای ایران می‌پردازد. «پدرخوانده و راست‌های جوان» در ۳۸۱ صفحه به قیمت ۳۳۰۰ تومان منتشر شده است.

سومین کتاب نشر سرایی «کتاب آبی سازمان ملل متحد» است که «استانداردهای بین‌المللی رفتار پلیس و ماموران امنیت کشور» را دربرمی‌گیرد. این کتاب را محمود علم ترجمه کرده و معتقد است: «موازین مندرج در این کتاب راهنما که از دل حدود ۲۰ کنوانسیون و سند مهم بین‌الملل استخراج شده‌اند به منظور آشنایی عموم و نیز جامعه حقوقی کشور با این موازین و فراهم آوردن امکان سنجش عملکرد ضابطین دادگستری و مجریان قانون در زمینه عدالت کیفری ترجمه شده و انتشار یافته است. امید است رعایت این استانداردها در همه جا به ویژه در کشور عزیزمان ایران تعمیق حرمت و احترام به کرامت ذاتی انسان را فراهم آورد.» ترجمه «کتاب آبی سازمان ملل متحد» به همراه اصل انگلیسی متن‌ها چاپ شده تا استفاده از آن برای کاربردهای حرفه‌ای‌تر نیز ممکن باشد. با این حال حجم کتاب از ۱۱۸ صفحه بیشتر نیست و قیمت آن هم ۱۲۰۰ تومان است.

دیگر کتابی که نشر سرایی برای نمایشگاه امسال آماده کرده «تسامح در اسلام» نام دارد. این کتاب را دکتر شوقی ابوخلیل نوشته و سیدرضا حسینی‌امین به فارسی ترجمه کرده است. مترجم این کتاب در مقدمه خود ضمن توصیف وضعیت دشوار مسلمانان در جهان کنونی نوشته است: «در این شرایط آنچه بر دوش روشنفکران دینی و دینداران آگاه سنگینی می‌کند دفاع منصفانه- به دور از خودباختگی و تعصب- از دین است. یادآوری این نکته نیز خالی از فایده نیست که در موضوعاتی چون تساهل مباحث فلسفی و کلامی جدید در سطوح نخبگان و همچنین متوسطان و نیز مباحث تاریخی و مذهبی در سطوح مختلف از سوی اندیشمندان صورت گرفته است. دکتر شوقی ابوخلیل استاد تاریخ اسلام در دانشگاه‌های لبنان از جمله مسلمانانی است که این وظیفه خطیر را به خوبی درک کرده و قریب به نیم قرن با به‌جای گذاشتن بیش از چهل اثر تالیفی از خود از اسلام دفاع کرده است. اثری که پیش‌رو دارید از جمله همان آثار است که دکتر شوقی ابوخلیل با استناد به آیات وحی و سیره عملی پیامبر اسلام به اثبات تسامح و رد نظریه خشونت در اسلام پرداخته است.» کتاب کوچک «تسامح در اسلام» در ۱۰۶ صفحه با قیمت ۱۲۰۰ تومان منتشر شده است. انتشارات سرایی برخی از کتاب‌های سال گذشته خود را نیز در نمایشگاه امسال عرضه می‌کند که از آن جمله می‌توان به دو کتاب از عمادالدین باقی به نام‌های «روحانیت و قدرت» و «جدل‌های تاریخی» اشاره کرد.

تلاش برای «حاکمیت قانون» و تامین کامل «حقوق شهروندان» دوره اصلاحات را تا حدود زیادی از دو عصر قبل و بعد از خود متمایز می‌کند. اجرای کامل قانون اساسی و نیز جلوگیری از نقض اصول آن از یک سو و نیز سعی در خاتمه دادن به نظارت بین‌المللی بر وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از طریق رعایت کامل حقوق شهروندان از سوی دیگر انگیزه آقای خاتمی برای تشکیل «هیات پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی» زیرنظر رئیس‌جمهور بود. همین دغدغه کمیسیون اصل ۹۰ را به یکی از مهم‌ترین و فعال‌ترین کمیسیون‌های مجلس ششم تبدیل کرد و «خانه ملت» مرکز رسیدگی به شکایات گوناگون شهروندان شد. قرائت نتایج رسیدگی به شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی در صحن علنی مجلس موجب تنویر افکار عمومی و افشای بسیاری از خلاف‌ها شد و بعضاً از تکرار آنها جلوگیری کرد.

خوشبختانه اخیراً دو کتاب ارزشمند درباره عملکرد دولت و مجلس اصلاحات در دفاع از حقوق ایرانیان منتشر شده است. «وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی» نام کتاب دکتر حسین مهرپور است که نشر ثالث آن را چاپ کرده و شامل مجموعه مکاتبات و نظریات هیات پیگیری از ابتدای تاسیس (آذر ۱۳۷۶) تا سال ۱۳۸۴ است. آقای مهرپور پس از دو فصل مقدماتی، در بخش سوم مکاتبات هیات را با نهادهای مختلف درباره عدم اجرای اصول گوناگون قانون اساسی مانند بند ۳ اصل ۳ (تربیت‌بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح)، بند ۱۰ اصل ۳ (ایجاد نظم اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری)، اصل ۱۵ (تدریس ادبیات اقوام در مدارس در کنار زبان فارسی)، بند ۴ اصل ۲۱ (ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست)، اصل ۱۰۰ (تشکیل شوراهای شهر و روستا در سراسر کشور)، اصل ۲۹ (برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، خدمات بهداشتی و درمانی آحاد مردم)، اصل ۲۸ (وظیفه دولت در فراهم کردن امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل برای همه مردم)، اصل ۳۰ (آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه)، اصل ۳۱ (حق داشتن مسکن متناسب با نیاز هر فرد و خانواده ایرانی)، اصل ۵۰ (حفاظت محیط زیست)، اصل ۱۷۱ (جبران خسارات مادی و معنوی افراد در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی) به همراه پاسخ نهادهای مسئول منتشر کرده است.

وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی
دکتر حسین مهرپور
نشر ثالث
۸۷۲ صفحه
۱۲۰۰۰ تومان

در بخش چهارم نامه‌های مربوط به دیدگاه هیات درباره جایگاه قانونی دادگاه ویژه روحانیت، جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی از لحاظ قانونگذاری، تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی توسط کمیسیون‌های مجلس، بررسی محصولات فرهنگی در سازمان بازرسی کل کشور، شکایت از مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تمرکز در قوه قضائیه، برخی نظریات شورای نگهبان و مصوبات دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی درج شده است.

مکاتبات مربوط به موارد نقض اصول قانون اساسی از جمله اصل ۲۲ (عدم تعرض به حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص)، اصل ۲۳ (عدم تفتیش عقاید و مواخذه نکردن افراد به صرف داشتن عقیده‌ای خاص)، اصل ۳۴ (حق دادخواهی آزاد افراد)، اصل ۳۸ (ممنوعیت شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاعات)، اصل ۳۹ (عدم هتک حرمت و حیثیت کسانی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده‌اند)، اصل ۵۸ (حق اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی - مخالفت با قانونگذاری توسط دیگر نهادها) اصل ۱۵۹ (مرجع رسمی بودن دادگستری برای تظلمات و شکایات و لزوم تشکیل دادگاه‌ها و صلاحیت آنان بر مبنای قانون - مخالفت با دادگاه‌هایی که براساس قانون تشکیل نمی‌شوند)، اصل ۱۶۸ (لزوم رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی به صورت علنی و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری) بخش پنجم کتاب را تشکیل می‌دهند.

شهروندانی که مایلند از تلاش‌های آقای خاتمی و همکارانش درباره پرونده آقای کرباسچی و مدیران شهرداری تهران، بازداشت یکی از نمایندگان مجلس ششم توسط وزارت اطلاعات، شاکیان دادگاه ویژه روحانیت، حکم قضایی درباره رابطه نامشروع دختر و پسر جوانی در حد صحبت کردن، شکایات آقایان امیرانتظام، کدیور، طبرزدی، گنجی، زرافشان، آقاجری، عبدی، سحابی و قاضیان و نیز خانم‌ها صابر و شیرین عبادی، فاجعه کوی دانشگاه تهران، محکومیت فردی به پرداخت خمس اموال، ممنوع‌الورود شدن یک شهروند به یکی از شهرستان‌ها، شنود تلفن‌ها، لایحه جرم سیاسی، شکایات خانواده زندانیان، پرونده ملی - مذهبی‌ها، حکم قضایی مربوط به گواهی اهل سنت، شکنجه منجر به فوت، پرونده وبلاگ‌نویسان و وضعیت ممنوع‌الخروج‌ها مطلع شوند، لازم است این بخش را تحت عنوان «حقوق مدنی، سیاسی و شهروندی» مطالعه فرمایند.

مکاتبات مربوط به تشکیل هیأت بررسی جراید در دادستانی کل کشور، قرار وثیقه‌های سنگین برای مدیران مسئول مطبوعات، توقیف گسترده نشریات از سوی دادگستری تهران با استناد به قانون اقدامات تامینی و تربیتی، شکایت رئیس انجمن دفاع از آزادی مطبوعات، اطلاعیه دادگستری تهران در مورد منع مطبوعات از نشر مطالب مربوط به مذاکره با آمریکا، شکایت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، ممیزی کتاب، موضوع توقیف موقت مطبوعات و نیز توقیف روزنامه‌های توس، نشاط، آسیا و یاس نو در بخش ششم درج شده است.

بخش هفتم نامه‌های هیأت در مورد حقوق اقلیت‌های غیررسمی، ثبت واقعه ازدواج اقلیت‌های غیررسمی، اخراج یک دانشجو از دانشگاه، مصادره املاک برخی از اقلیت‌ها و نامه یکی از مراجع تقلید است.

انتخابات، مصونیت پارلمانی و رد صلاحیت‌ها عنوان بخش هشتم و شامل شکایات خانم کدیور درباره انتخابات مجلس پنجم، گزینش خبرگان رهبری، آیین‌نامه شورای نگهبان برای انتخابات مجلس ششم، طرق‌الحاقی به قانون نظارت شورای نگهبان، اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی (مصونیت نمایندگان)، تذکر قانون اساسی رئیس‌جمهور به قوه قضائیه، محکومیت خانم حقیقت‌جو و رد صلاحیت‌ها در انتخابات مجلس هفتم است.

بخش نهم به اصل ۵۳ قانون اساسی (تمرکز کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب) اختصاص دارد و گزارش موارد عدم اجرای قانون اساسی بخش دهم را تشکیل می‌دهد.

حقوق بشر عنوان بخش پایانی کتاب و شامل مکاتبات مربوط به لغو مجازات رجم، وضعیت حقوق بشر ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض زنان، بیانیه مربوط به مبارزه با نژادپرستی، نامه مشترک گزارشگران ویژه، محکومیت ایران در سازمان ملل به نقض حقوق بشر، پیشنهاد تشکیل انجمن دفاع از قربانیان قصاص، رد قطعنامه نقض حقوق بشر علیه ایران، گزارش کمیته رفع تبعیض نژادی و کمیته معاهدات و توصیه‌های یونسکو است.

«کمیسیون اصل نود» نیز نام کتاب سه جلدی خانم دکتر جمیله کدیور عضو سخنگوی همان کمیسیون در مجلس ششم است که انتشارات امید ایرانیان آن را منتشر کرده است.

کمیسیون اصل نود
سه جلد
دکتر جمیله کدیور
انتشارات امید ایران
۴۵۸ صفحه
۱۲۵۰۰ تومان

مولف در جلد اول به «مبانی نظری» کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و پیشینه آن پرداخته است. در جلد دوم فعالیت‌ها و چالش‌های این کمیسیون در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۹ یعنی از مجلس اول تا پایان مجلس پنجم مورد بررسی قرار گرفته است و جلد سوم «کارنامه کمیسیون اصل ۹۰» را در مجلس ششم شرح می‌دهد.

در این جلد، خانم کدیور نتایج بررسی‌های کمیسیون را در مورد پرونده‌های زیر شرح داده است:

۱- پرونده شکوائیه اهالی جاجرم در مورد شهرستان شدن جاجرم گرمه.
۲- پرونده شکوائیه زندانیان سیاسی و مطبوعاتی.
۳- پرونده آلودگی هوا.
۴- شکوائیه ایثارگران، رزمندگان و دستگاه‌های مرتبط با رسیدگی به امور آنان درخصوص قانون الزام به پذیرش افراد واجد شرایط و آیین‌نامه اجرایی آن.
۵- پرونده شکایتی جمعی از شرکت‌کنندگان در کنکور سراسری سال ۱۳۷۹ و نحوه اعمال سهمیه مناطق خصوصاً منطقه ۲.
۶- پرونده عدم اجرا و نقض قانون اساسی.
۷- پرونده وضعیت زندان‌های کشور.
۸- پرونده شکوائیه مقتولین قتل‌های زنجیره‌ای.
۹- پرونده شکوائیه رئیس ستاد انتخابات کشور در مورد انتخابات استان تهران.
۱۰- پرونده حادثه خرم‌آباد.
۱۱- پرونده واگذاری بیمارستان‌های تامین اجتماعی.
۱۲- پرونده شکوائیه بازنشستگان قبل از سال ۱۳۷۶ موضوع تبعیض در حقوق بازنشستگی.
۱۳- پرونده شکوائیه بازداشت‌شدگان نیروهای ملی - مذهبی.
۱۴- بررسی پرونده شکایتی سهامداران شرکت ایران مارین سرویس.
۱۵- پرونده شرکت اس‌تی‌سی و چگونگی آرای صادره از سازمان تعزیرات حکومتی.
۱۶- بررسی شکایت واصله در مورد موقوفات آستان قدس رضوی.
۱۷- بررسی شکایت واصله درخصوص جایگاه قانونی کانون کارشناسان رسمی.
۱۸- بررسی پرونده شکایتی درخصوص سهمیه آرد روستاها.
۱۹- پرونده شکایتی کارگزاران دفاتر مخابرات روستایی.
۲۰- پرونده رکود در صادرات فرش دستباف.
۲۱- پرونده اعتراض به عملکرد مدیریت شرکت هواپیمایی آسمان.
۲۲- پرونده اعتراض به نحوه واگذاری اراضی منابع طبیعی.
۲۳- پرونده شکایتی درخصوص حق جذب مناطق محروم.
۲۴- پرونده شکایتی در مورد دهکده المپیک اصفهان.
۲۵- پرونده مربوط به بررسی شکایات خانقاه‌ها مبنی بر مصادره موقوفات.
۲۶- پرونده شکایتی درخصوص حق محرومیت از مطب.
۲۷- پرونده شکایتی درخصوص نحوه عملکرد گزینش دستگاه‌های دولتی.
۲۸- پرونده شکایت سردار فرهاد نظری.
۲۹- شکوائیه خانواده‌های دستگیرشدگان پرونده موسسه پژوهش و سنجش افکار عمومی.
۳۰- پرونده شکوائیه جمعی از دانشجویان (اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت).
۳۱- پرونده شکایتی مجمع نمایندگان اهل سنت.
۳۲- طرح استقرار مدیران در محل مسئولیت.
۳۳- پرونده شکایت تعدادی از وکلای دادگستری.
۳۴- پرونده شکایت دکتر ابراهیم یزدی.
۳۵- پرونده شکایت دکتر سیدهاشم آقاجری.
۳۶- پرونده شکایت دندانسازی تجربی.
۳۷- پرونده شکایت دفاتر خدمات هوایی و جهانگردی ایران.
۳۸- پرونده شکایتی از نحوه عملکرد هسته‌ها و هیات‌های مرکزی گزینش.

مطالعه این دو کتاب را به هموطنانی که به «حاکمیت قانون» و «رعایت کامل حقوق شهروندی» علاقه‌مندند، توصیه می‌کنم، به‌خصوص آنکه هیات پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در دولت کنونی منحل شد و کمیسیون اصل ۹۰ نیز جایگاه مهم و تاثیرگذار خود را در مجلس هفتم از دست داد.

عکس عباس کدوئی، شرق

گزارش عصر اصلاحات

سیدمصطفی تاج‌زاده

ادامه از صفحه ۲۵

با مراجعه به روزها و هفته‌ها و ماه‌های بعد از حادثه یازدهم سپتامبر دیده می‌شود که بیشتر شرکت‌های انتشاراتی به چاپ تحلیل‌های تهیه شده در مورد آن حادثه و فضای ایجاد شده اقدام کردند. در این زمان است که بیشترین کتاب در مورد اسلام و کشورهای اسلامی تهیه و چاپ شد. خوانندگان هم در همین فضا تولید شدند. این درک غلطی از خوانندگان کتاب است که اگر فردی کتابی بنویسد مخاطب خود را پیدا خواهد کرد. خیر. رابطه کتاب‌نویس، کتاب‌چاپ‌کن، کتاب‌فروش و کتابخوان تعامل‌گونه است. هر یک به گونه‌ای دیگری را به انجام یا عدم انجام آن کار دعوت می‌کند. پس وقتی حادثه‌ای چون زلزله پیش آمد مردم انتظار فهم دلایل، نتایج و آینده این نوع حادثه را دارند. اگر کتابی نوشته نشود و نیازها بی‌پاسخ گذاشته شود، کتابخوان تربیت نمی‌شود. از طرف دیگر اگر شرکت‌های انتشاراتی در این زمینه سرمایه‌گذاری نکنند و نیاز مخاطبان را پاسخ ندهند، کتاب‌نویس و محقق تربیت نمی‌شود. اگر دیده می‌شود که در هر حادثه‌ای نویسندگان غربی دست به قلم می‌زنند و سعی دارند که به روزآمد بودن خوانندگان کمک کنند، به این سبب است که از این طریق دیگران (از قبیل شرکت‌های انتشاراتی، منتقدان، فروشندگان و...) را به روز می‌کنند و به جامعه روح زنده می‌دهند. آیا در کشور ما هم این سنت وجود دارد؟

یاد دارم در زمانی که هنوز جنگ عراق خاتمه نیافته بود، با بعضی از مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان ایرانی به ضرورت پرداختن به ماهیت، روند و آثار جنگ به طور علمی (جامعه‌شناختی) اشاره کردم، اما در آن زمان با اعتراض بزرگان این عرصه روبه‌رو شدم. آنها پیشتر اشاره کردند که ما باید به انتظار فاصله گرفتن از جنگ باشیم تا بتوانیم این حادثه را بدون کمترین حب و بغضی مطالعه و منطق آن را بیان کنیم. در آن زمان این پاسخ تا حدی برایم گران تمام شد ولی بهتر دیدم که به انتظار زمان پایان جنگ باشم تا تحلیل‌های عالمانه اساتید خوانده شود. اما آن طور نشد و برعکس، پس از پایان جنگ بسیاری در وقوع این حادثه به لحاظ تاریخی شک روا داشتند. به گونه‌ای عمل شد که ما هم به شک افتادیم و فکر کردیم که حتماً جنگ ساخته دست دولت‌ها و گروه‌های قدرت‌گرا بوده است تا اینکه کسانی با عشق و علاقه به جنگ وارد شده باشند و با تقدیم جان و مال خود تا پایان حاضر باشند و در صورت باقی ماندن جانی به عرصه جدید کارزار آمده باشند. آنقدر توجه به محیط پیرامونی بد جلوه داده شده است، که در تامل بدان فقط جا برای دشمنان و رقبا باقی می‌ماند. بدین لحاظ است که حاملان و مدعیان اندیشه و فکر ایرانی بیشتر از مخالفان آن هستند. ایران‌شناسان در خارج از ایران و اسلام‌شناسان غیرمسلمان هستند. بدین لحاظ است که پس از ارائه نظراتی در مورد حوادث و وقایع این کشور بایستی دیگران (غربی‌ها یا ایرانی‌های غرب‌نشین) لب به سخن گشایند و ما در این مرز و بوم به دفاع یا نقد آن بپردازیم. این نوع نگاه را در مورد بسیاری از رویدادها از جمله انقلاب اسلامی، جنگ عراق علیه ایران، زلزله طبس، زلزله رودبار، انتخابات دوم خرداد، انتخابات سوم تیر، تحریم اقتصادی، بحران ارزشی و... می‌بینیم. هیچ‌کس (یا کمتر کسی) در این زمینه‌ها سخن گفته است. اگر بعدها کسانی به داوری پرداختند، بعد از ارائه تحلیل درست یا غلط‌شان، دیگران به داد و فغان پرداخته‌اند و اتهام و بهتان شروع شده است. و در این میان بوده که عده‌ای به پر کردن کیسه‌های خالی خود از هر دو طرف پرداخته‌اند. عده‌ای به دفاع از داخل، عده‌ای در مقابله با داخل. اینجا است که کتاب‌نویسی به جای اینکه سازوکاری فرهنگی و علمی بیابد، وضعیتی سیاسی می‌یابد و محل حضور سیاستمداران لباس علم و دانش پوشیده می‌شود. خوب تیغ جراحی ناظر کتاب هم در همین شرایط است که معنی‌دار می‌شود، زیرا بسیاری از اهل سیاست به جای علما و متفکران جلوس کرده‌اند و دارند فلسفه‌بافی می‌کنند.

از کجا معلوم که ما مردم ایرانی در گذشته کتاب‌نویس، کتابخوان، کتابدار، یا کتابفروشان خیلی خوبی بوده‌ایم و در شرایط جدید تغییر صورت داده‌ایم و اکثرمان شیوه‌ای متفاوت انتخاب کرده‌ایم و دچار کم‌هوشی و بی‌علاقگی به کتاب و اندیشه شده‌ایم و در نتیجه جریان افول کتابخوانی شکل گرفته است؟ با مراجعه به تاریخ ایران و فهم اینکه مردم ایران به چه میزان باسواد بوده و فرصت کتابخوانی داشته‌اند، این معنی به دست می‌آید. شرایط جدید یکی از بهترین شرایط برای مردم ایران به لحاظ سطح سواد، علاقه به فرهنگ و کتابخوانی است. البته در گذشته هم مردمان فاضل و اهل علم در ایران وجود داشته‌اند، اما نه به اندازه زمان معاصر کتاب در گذشته وجود داشته است، نه به اندازه زمان حال کتابخوان وجود داشته است. در گذشته عده‌ای به عنوان «ملا» و «صاحب علم» کتابخوان بوده‌اند. آنها توانایی خواندن قرآن، حافظ، سعدی، حافظ و... و شماری از دیگر کتب دینی و فرهنگی را داشته‌اند. این افراد با تکرار مطالب یا ارائه قرائت خودشان از کتب به فضای جامعه عطر فرهنگی می‌داده‌اند. اما حضور این افراد آنقدر زیاد و فراگیر نبوده است که کتابخوانی به صورت ضرورتی عام جلوه کند. در حالی که در زمان حال با افزایش سطح سواد و توانایی کتابخوانی و با توجه به این که بازار کتاب داغ شده و عده‌ای به طور تخصصی به این کار اشتغال پیدا کرده‌اند، ما هم کتاب بیشتری داریم، هم علاقه بیشتری به کتابخوانی و کتابداری و کتابفروشی و هم کتابخوان.

با ادعای اینکه در زمان حال میل به کتابخوانی بیشتر از گذشته شده است، با این سئوال روبه‌رو می‌شویم که: «پس چرا کتابخوانی اثر فرهنگی ندارد؟ چرا آنطور که مسئولان می‌گویند کتابخوان‌های ما کتاب نمی‌خوانند؟» برای روشن شدن مطلب بهتر است به انواع کتابخوانی‌ها به لحاظ محتوای آنها بپردازیم:

۱- کتاب‌های دینی که توزیع دولتی دارد و مبلغ آن دولت و مسجد است. به این ترتیب این حوزه ناخواسته حیات دارد و عاملی در ساختن بخش عمده حیات ایرانی است. در حیات این نوع کتاب هیچ جای شک و شبهه وجود ندارد. آموزش دینی در مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و فضاهای رسمی معلوم و تعریف شده است. اگر بسیاری از اساتید دانشگاه هم به اشکال گوناگون نحوه طرح مباحث اسلامی در کتب معارف را مخالف شئونات اسلامی و دینی بشمارند، کسی به حرف آنها گوش نمی‌دهد. مثل اینکه بی‌اعتنایی به این متون می‌بایستی بخشی از آموزش آن تلقی شود. کتاب‌های درسی و مدرسه‌ای هم (چه در سطح مدرسه، دانشگاه و حوزه) که اجباری است و خریداری و خواندن و امتحان دادن‌شان هم اجباری است. به این ترتیب ظاهراً همه احساس می‌کنند که نیازی به تامل و بازبینی و بهبود آنها وجود ندارد. افزایش تیراژ و تجدید چاپ آنها نیز حکایت از اهمیت سازمانی و اداری آنها دارد. اگر مدرسان، مدیران و منتقدان هم کم‌اثری این کتب را گوشزد کنند، تیراژ زیاد و در اختیار بودن آنها برای پاسخ اعتراض‌ها کفایت می‌کند. این کتب به دلیل حضور مولفان و نگاه رسمی باقی مانده‌اند. بعضی از کتب در حوزه معارف اسلامی و تاریخ اسلام بیش از بیست سال است که هر سال چاپ شده و توزیع می‌شوند. گویی که در این بیست سال هیچ تفاوتی در فهم دین پیش نیامده است یا اینکه محقق دیگری که توانایی بیشتری در فهم دین داشته باشد، پیدا نشده، یا اینکه محقق دیگری که توانایی بیشتری در فهم حوادث داشته باشد و بتواند درک روشن‌تری نسبت به اسلام و تاریخ به دانشجویان بدهد، پیدا نشده است.

۲- نوع دیگر کتب دانشگاهی است. سازوکار تولید، پخش، خواندن و نگهداری کتاب موسوم به دانشگاهی در ایران هم ماجرایی دارد. بعضی از کتب در طول حدود بیست سال صدرنشین هستند. بارها در تیراژ بسیار تجدید چاپ شده و موجب شهرت و اعتبار برای مولف و ناشر شده‌اند. جالب است، علوم در ایران تابع تحولات سیاسی‌اند. اگر دوره تاریخی تغییر کند، معلوم می‌شود که علوم هم دچار تغییر شده‌اند. در حالی که در جهان علمی، تحول و تغییر علمی تابع دولت‌ها و قدرت‌ها نیست، تابع ابداعات و خلاقیت دانشمندان است. این است که طی یک سال نظریه‌هایی، مفاهیمی و مباحثی مطرح می‌شوند و با نقد و بررسی به حاشیه می‌روند.

۳- می‌ماند کتاب‌هایی که مردم می‌خرند و به نظر بسیاری نباید بخرند و بخوانند؛ و کتاب‌هایی که می‌خرند و باید بخرند و بخوانند. تشخیص اینکه کدام کتاب برای چه کسانی و در چه شرایطی باید تهیه و خوانده شود، کار ساده‌ای نیست. تصمیم در این مورد هم ساده نیست. بعضی مواقع خریداران هستند که این کار را می‌کنند و در بعضی از شرایط نویسندگان و در بسیاری از مواقع مدیران نشر و صادرکنندگان مجوز کتاب. فکر می‌کنم نقش تعاملی کتاب‌نویس، کتاب‌فروش، کتابخر و کتابدار از نقش تک‌تک آنها بیشتر است. همه با هم هستند که می‌توانند به تصمیم در مورد تهیه و مصرف کتاب خاصی برسند. اینکه مردم شهری بیشتر به کتاب تاریخی، داستانی، ادبی و تخیلی تا کتب علمی علاقه دارند، نشان از صورت خاصی از حیات ایرانی است. مردم ایران از روبه‌رو شدن با واقعیت‌ها ترس دارند. به همین سبب است که بیشتر به تاریخ مراجعه می‌کنند؛ بیشتر به خواندن شعر، داستان، رمان، قصه و گوش دادن به موسیقی تن می‌دهند و مایل به چرخش به همه سو هستند. این نوع چرخش حکایت از ترس از رویارویی با واقعیت پیرامونی دارد. این نوع عکس‌العمل را بسیاری از ملت‌ها برای فرار از واقعیت از خود بروز داده‌اند. مگر واقعیت پیرامونی چیست و چه نقشی در کتاب‌نویسی دارد که فرار از آن ضرورت فعلی جامعه ما شده است؟ از میان مجموعه ویژگی‌ها و عناصر این واقعیت به دو نمونه اشاره می‌کنم و مابقی را به زمان دیگر می‌گذارم:

۱- جامعه کتابخوان به طور آگاهانه می‌گوید حال که شما از علم تعریف دولتی دارید و برای ما راهی به جز خواندن کتاب‌های رسمی نمی‌شناسید، ما هم به انکار واقعیتی می‌پردازیم که برای آن درس و کتاب می‌خوانیم. پس بی‌توجهی به کتاب چاپ شده، نمی‌تواند بیان‌کننده کتاب‌نخوانی ما باشد. زیرا کتابخوانان بسیاری در حوزه‌های دیگر وجود دارند و کتاب‌های بسیاری در ایران وجود دارد که بارها تجدید چاپ شده‌اند و بسیاری خواننده آنها بوده‌اند.

۲- یکی از عناصر دیگر این واقعیت این است که به ما مردم ایران همیشه گفته شده است درگذشته اهل کتاب و کتاب خواندن بوده‌ایم اما اکنون نیستیم. همیشه تصور بر این بود که ایرانیان حافظ، سعدی، مولوی و فردوسی‌خوان بوده‌اند. اما در مقابل این گونه اظهارات باید گفت که همواره فقط به قدر ظرفیت‌هایمان اهل فرهنگ و ادب و کتاب بوده‌ایم، نه آن‌طور که در آرمان ایرانی آمده است. فرهنگ ایرانی همیشه در پی تولید شاهکار ادبی نبوده است، البته شاهکار ادبی هم دارد. پس هم می‌تواند کتابخوان باشد و هم کتابدار. اینکه کدام یک از این راه‌ها را انتخاب کند یا اینکه هر دو راه یا هیچ‌کدام را، بستگی به شرایط دارد. فعلاً که فقط قصد دارد از خود تصوری معمولی جلوه دهد؛ ملتی باشد که گوش به تاریخ دارد و علاقه‌اش را در ادبیات و موسیقی عامه‌پسند جست‌وجو می‌کند، نه در علم و دانش تجربی و ادبیات و موسیقی متعالی.

از شما خواننده محترم می‌پرسم که آیا در این نوع کتابخوانی و فرهنگی دوستی اشکالی وجود دارد که عده‌ای به فغان آمده‌اند و در راه دفاع از فرهنگ روشنفکری، اشرافیگری را پیشه کرده‌اند و با عنوان کردن اینکه مردم دچار افت اخلاقی، افت تحصیلی، افت کتابخوانی و هزاران افت دیگر شده‌اند، سعی در مشروعیت بخشی به فرار دیگری از واقعیت پیرامونی دارند؟

ناشران

تازه‌های میراث مکتوب در نمایشگاه

شرق: مرکز نشر میراث مکتوب (که احتمالاً مهم‌ترین ناشری است که دست به کار انتشار نسخ قدیمی فرهنگ و تاریخ ایران است) با غرفه‌ای در نمایشگاه کتاب امسال حضور دارد که هر چند غرفه چندان بزرگی نیست، اما برای علاقه‌مندان میراث مکتوب بازدید از آن غنیمت است. این ناشر چند کتاب تازه در نمایشگاه امسال عرضه کرده است. کتاب اول جامع‌التواریخ است نوشته خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (در گذشته به سال ۷۱۸ ه. ق)، طبیب عالم و مورخ دانشمندی که در سراسر دوره سلطنت غازان خان و جانشین او، اولجایتو، و در ابتدای سلطنت ابوسعید مقام وزارت ایلخان را داشت. جامع‌التواریخ را محمد روشن تصحیح کرده و در چند جلد به تاریخ غوز و تاریخ هند و سند و کشمیر می‌پردازد. خواجه رشیدالدین فضل‌الله آثار متعددی از خود به یادگار گذاشته که بخشی در حوزه تاریخ، شماری در معارف دینی نظیر تفسیر، علوم قرآن و احکام و اندکی در طب و آیین مملکت